لزوم پررنگ بودن استظهار از ادله در انشائیات طولی و مقبولیت عرفی آن‌ها

حال برگردیم به آن چه که مقصود من است. وقتی در این فضا می‌گوییم انشائیاتی است که در طول هم است، منظور ما استظهار است. اگر عرف عقلاء این استظهار را پسندیدند جلو می‌رویم اگر نپذیرفتند جلو نمی‌رویم. مثالی که حدود ده سال قبل مطرح کردم چه بود؟ «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةُ الْإِحْدَى وَ الْخَمْسِينَ»؛ من به این صورت استظهار کردم؛ گفتم یعنی شارع مقدس ذکر خودش را بر بازه شبانه‌روز می‌خواهد؛ من پنجاه و یک رکعت را در این بازه از تو می‌خواهم. این پایه کار شد. بعداً چه کار می‌کند؟ در طول این توزیع می‌کند. از این‌که دست بر نمی‌دارد. این را مثال زدیم.

خُب همین‌جا ممکن است کسی بگوید استظهار تو غلط است. من حرفی ندارم. مثلاً بگوید جمله‌ای که امام علیه‌السلام بعد از انشاء ثبوتی گفته‌اند و جمع‌بندی کرده‌اند، تو آن را پایه می‌گذاری. حضرت که فرمودند «صلاة احدی و خمسین»، یعنی خدای متعال ابتدا پنج واجب و سی و چهار رکعت ندب را سر وقت خودش انشاء کرده و حال خلاصه آن، این پنجاه و یک رکعت می‌شود. این تفاوت کرد. این یک استظهار است. کسی که بخواهد بگوید عرض من بی خودی می‌گوید این یک استظهار است.

عقلاء می‌گوید خداوند یک کاری در کف انجام داده است. کف چه بود؟ صبح دو رکعت بخواهید، ظهر چهار رکعت و نافله‌ها را هم بخواهید و ...، امام علیه‌السلام هم جمع‌بندی کرده‌اند و می‌گویند خُب پنجاه و یک رکعت بخوانید. این علامت توی مؤمن است. اگر به این صورت گفتیم عرض من کنار می‌رود. من حرفی ندارم. یعنی اساس عرض ما بر بافتن نیست. بلکه بر این است که از ادله شرعیه استظهار کنیم و عرف عقلاء هم این استظهار را از ما قبول کنند.

با این بیانی که عرض کردم برگردیم؛ برای عرف عقلاء شواهدی بیاوریم. مثلاً بگوییم «فائتة الیوم» نزد شارع فرق می‌کند. «خلفة» تعبیر خود امام است. اینها را که می‌آوریم عرف عقلاء مقداری قانع می‌شوند که اینطور نیست که احدی و خمسین، جمع‌بندی قبلی‌ها باشد. اینها شواهد است. آن ظهور و استظهار بدوی بود، اینها جمع کردن شواهد و قرائن از بیرون کلام است تا بگوییم آن چیزی که شارع در کف قرار داده این است که در بیست و چهار ساعت پنجاه و یک رکعت بخوانید. این‌که چقدرش واجب باشد، چقدرش مستحب باشد، در کدام وقت واقع شود، اینها برای بعد است. اینها انشائیاتی در طول آن کف است. کف این بود که در شبانه‌روز پنجاه و یک رکعت بخوانند. این هم یک حرف است.

شما مجموع ادله را نگاه می‌کنید و می‌بینید اگر توانستید عقلاء را قانع کنید که واقعاً شارع این کار را کرده، ما به مقصود خود رسیده‌ایم. یعنی توانسته‌ایم استظهار کنیم که شارع این انشائیات طولی را انجام داده است. وقتی انشائیات طولی را از استظهار اثباتی فهمیدیم و ثبوتاً هم آن را معقول دانستیم - اگر ثبوتاً معقول ندانیم که ظاهر را تاویل می‌کنیم - پس آن وقت جمع

بین ادله‌ای که هست ممکن می‌شود.

بازبینی #1
ایجاد شده 2 مه 2026 12:28:28 توسط ... .
به روزرسانی شده 2 مه 2026 12:28:49 توسط ... .